



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۷ آبان ۱۴۰۲

مصادف با: ۴ جمادی الاولی ۱۴۴۵

موضوع جزئی: احکام عقد - مسأله ۱۸ - مقام دوم: شرط خیار در مهریه - ۲. نکاح موقت -

اقوال - وجه قول اول (اشکال) - وجه قول دوم (بطلان) - حق در مسأله

جلسه: ۲۲

سال ششم

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

در بحث از اشتراط خیار در مهر که مقام دوم بحث ماست، گفتیم تارة در عقد نکاح دائم این موضوع را بررسی می‌کنیم و آخری در نکاح موقت. در مورد نکاح دائم نتیجه این شد که اشتراط خیار در مهر نکاح دائم صحیح است و خللی در خود این شرط وجود ندارد و قهراً مشکلی هم در عقد ایجاد نمی‌کند.

### ۲. نکاح موقت

اما در مورد اشتراط خیار در مهریه نکاح منقطع، امام(ره) فرموده‌اند: «و أما المتعة التي لا تصح بلا مهر فهل يصح فيها اشتراط الخيار في المهر؟ فيه اشكال» اما در مورد متعه که اساساً بدون مهریه صحیح نیست، آیا اشتراط خیار در مهریه صحیح است یا نه، فيه اشکال.

### اقوال

وقتی گفته می‌شود فيه اشکال، با اینکه بگویند باطل<sup>۱</sup> فرق دارد؛ چنانچه همین‌جا مرحوم آقای خوبی فرموده‌اند: «بل ممنوع»<sup>۱</sup> ایشان اضراب کرده و فرموده باید بگوییم ممنوع است. باید معلوم شود بالاخره وجه اشکال و وجه بطلان چیست، و حق در مسأله کدام است. مرحوم سید هم فرموده «مشکل» ایشان تعبیر مشکل به کار برده و نمی‌گوید باطل<sup>۲</sup>. پس اگر بخواهیم انظاری که در مورد اشتراط خیار در مهریه نکاح موقت بیان شده را دسته‌بندی کنیم، دو قول در اینجا وجود دارد: یک عده قائل‌اند مشکل<sup>۳</sup> و یک عده قائل‌اند به اینکه باطل<sup>۴</sup>.

اما اینکه امام(ره) و مرحوم سید فرموده‌اند مشکل<sup>۳</sup>، به این جهت می‌تواند باشد:

### وجه قول اول (اشکال)

از یک طرف دیده‌اند که متعه بدون مهریه اصلاً صحیح نیست، برخلاف نکاح دائم که اگر مهریه در آن نباشد و ذکر نشود، منصرف به مهرالمثل می‌شود؛ اگر فرض بفرمایید در عقد نکاح دائم به هر دلیلی مهریه را ذکر نکنند، این باطل نمی‌شود بلکه به قول امروزی‌ها اتوماتیک وار منصرف می‌شود به مهرالمثل. اما در نکاح موقت اگر مهریه ذکر نشود، اساساً باطل می‌شود. پس از آنجا که طرف عدم ذکر مهریه در متعه موجب بطلان است و شرط خیار در نکاح موقت مآلاً منتهی می‌شود به نبودن مهر؛ چون بالاخره این مهری که ذکر شده، ممکن است فسخ شود. یعنی یک رکن عقد، متزلزل می‌شود. مهریه در نکاح موقت رکن است و شرط خیار در مهریه نکاح موقت کأن ایجاد تزلزل در رکن عقد است.

۱. کتاب النکاح، ج ۳، ص ۱۷۳.

از طرف دیگر هم اصحاب که در عباراتشان بحث از اشتراط خيار در مهریه را مطرح کرده‌اند، به نحو مطلق گفته‌اند این صحیح است؛ یعنی اطلاق عبارات اصحاب در حکم به صحت اشتراط خيار در مهریه نکاح اطلاق دارد، به گونه‌ای که به حسب ظاهر هم شامل نکاح موقت می‌شود و هم شامل نکاح دائم. این اطلاق عبارات اقتضا می‌کند بگوییم فرقی بین نکاح موقت و نکاح دائم در صحت اشتراط خيار نیست.

به علاوه، ممکن است گفته شود یا گمان شود که درست است که مهریه رکن عقد است، لکن وجود مهریه در نکاح موقت حدوثاً اعتبار دارد و بقاء لازم نیست؛ بدین معنا که وقتی که می‌خواهد عقد نکاح موقت صورت بگیرد، باید مهریه باشد. حدوثاً وجود مهریه در متعه لازم است. اما در ادامه و در بقاء، عدم مهریه اشکالی ایجاد نمی‌کند. ممکن است کسی این وجه را برای صحت اشتراط خيار در مهریه در نظر بگیرد.

پس ملاحظه می‌فرمایید که از یک طرف مسأله شرط خيار در مهریه نکاح موقت موجب از بین رفتن این رکن در متعه می‌شود، از طرف دیگر هم اصحاب به صورت مطلق این را صحیح دانسته‌اند و اطلاق آن شامل نکاح موقت هم می‌شود؛ و یا ممکن است کسی بگوید این حدوثاً در عقد نکاح و متعه معتبر است، اما بقاء اعتبار ندارد و اینجا حدوثاً تحقق دارد. لذا نتیجه‌اش می‌شود اشکال؛ اینکه امام فرموده «فیه اشکال» یعنی هر طرف قضیه را که نگاه می‌کنید یک وجهی برای آن می‌توان تصویر کرد. لذا حکم به صحت نمی‌کند و می‌گوید «فیه اشکال»؛ چون بالاخره مسأله مهریه در نکاح موقت خیلی مهم است و نباید خللی در آن ایجاد شود. مرحوم سید هم که فرموده «فالاشرط الخیار فی المهر فیها مشکل فی المتعة».

#### وجه قول دوم (بطلان)

از آن طرف برخی مثل مرحوم آقای خویی فرموده‌اند «ممنوع»، اینجا باید بگوییم ممنوع است؛ باید بگوییم اشتراط خيار در مهریه متعه باطل است. چرا؟ می‌فرماید «لان مرجعه الی دوران العقد بین وجود المهر فیه و خلوه عنہ و هو موجب للبطلان فیه لا اعتبار ذکر المهر و الاجل فیه اجماعاً»؛<sup>۱</sup> اگر کسی در مهریه متعه شرط خيار کند، کأن اینجا امر عقد دایر شده بین بود و نبود مهر؛ معنای شرط خيار در مهریه چیست؟ یعنی اگر خواست در مدت معین، این مهریه را فسخ کند. پس امر عقد دایر است بین اینکه در عقد مهریه باشد یا نباشد؛ و این تزلزل در مهریه است که رکن عقد می‌باشد، دو چیز در نکاح موقت باید باشد: ۱. مدت، ۲. مهریه. اگر این پایه متزلزل شود، عقد باطل می‌شود؛ چون وجود این دو بالاجماع ثابت است؛ یعنی معتبر است ذکر مدت و مهریه؛ هر کدام نباشد، عقد بالاجماع باطل است، و چون شرط خيار در مهریه متعه سر از خلل در یکی از ارکان عقد درمی‌آورد، باید حکم به بطلان کنیم.

#### حق در مسأله

حالا حق در مسأله کدام است و اساساً آیا جایی برای حکم به صحت هست یا نه. اینجا ممکن است کسی بگوید در حین وقوع عقد، مهریه وجود دارد؛ فرض این است که مدت هم هست. پس ارکان عقد در حین حدوث مشکلی ندارد. در بقاء هم فرض این است که مهریه معتبر است؛ اما اگر شرط خيار اعمال شد و یکی از طرفین مهریه را فسخ کرد، چرا اینجا نگوییم مثل نکاح دائم، منصرف به مهرالمثل می‌شود؟ همانطور که در نکاح دائم انصراف به مهر المثل پیدا می‌کند، اینجا هم اگر مهریه ذکر

۱. همان.

نشود، منصرف است به مهرالمثل. پس هم حدوثاً و هم بقاءً عقد واجد این رکن هست، پس مشکلی نیست.

این اشکال آن است که حتی اگر این را بپذیریم. ما در عقد موقت کسی را ندیدیم که سخن از رجوع به مهرالمثل کند؛ هیچ کسی نگفته مثلاً اگر خیار را در مورد مهریه متعه اعمال کرد، اینجا رجوع به مهرالمثل می‌شود. پس ما نمی‌توانیم حکم به صحت کنیم.

از آن طرف اطلاق کلمات اصحاب که شرط خیار در مهریه را صحیح دانسته‌اند ولو به حسب ظاهر اختصاص به دائم نداده‌اند لکن این منصرف به دائم است. اصحاب که گفته‌اند شرط خیار در مهریه صحیح است، حتماً منظورشان از نکاح، نکاح دائم است؛ یعنی کأن عدم آن را در نکاح موقت مفروغ عنه دانسته‌اند. پس از اطلاق عبارت اصحاب این را نمی‌توانیم بدست بیاوریم.

اما اینکه مهریه حدوثاً در نکاح موقت معتبر باشد و نه بقاءً، این هم به نظر صحیح نیست و کسی چنین تفصیلی را ذکر نکرده است؛ اجماعی که بر لزوم مهریه در متعه قائم شده، هم شامل حدوث و هم شامل بقاء است؛ یعنی وقت تحقق عقد باید مهریه باشد، بقاء هم مهریه باید باشد. تفصیل بین این دو چیزی است که لم یقل به احد؛ اگر ما گفتیم ذکر مهر در متعه اجماعی است، این اجماع شامل حدوث و بقاء است و جایی برای این احتمال نیست که بخواهیم بین اینها فرق بگذاریم.

بنابراین با توجه به این جهاتی که عرض شد: ۱. اینکه اعتبار مهر در نکاح متعه مجمع علیه است و تردیدی در این نیست که مهریه باید در نکاح موقت ذکر شود و چنانچه نباشد، اساساً صحیح نیست و واقع نمی‌شود؛ و نیز با توجه به اینکه این در همه حالات نکاح موقت معتبر است، یعنی هم در فرض حدوث و هم در بقاء، حدوثاً و بقاءً یا ابتداءً و استدامهً، هم در ابتدای عقد و هم در ادامه، مهر باید معین و معلوم باشد. به نظر می‌رسد باید اینجا حکم به بطلان شود، کما فعله بعض المحققین؛ لذا اینکه امام فرموده فیه اشکال، با توجه این جهات جایی ندارد. یک وقت ما می‌گوییم در ابتدای عقد مهریه وجود دارد، در ادامه هم این مهریه بهم بخورد رجوع به مهر المثل می‌شود؛ بله، اگر نبود اجماع بر اعتبار مهریه در نکاح موقت و اینکه این اجماع فرقی بین ابتدا و استدامه در آن نیست؛ ما اگر بخواهیم اجماع را مختص به ابتدای عقد کنیم و بگوییم نسبت به ادامه این اجماع وجود ندارد، هیچ دلیلی نداریم. نمی‌توانیم بگوییم اجماع یک دلیل لَبّی است و در دلیل لَبّی به قدر متیقن باید اخذ کرد، و قدر متیقن هم ابتدای عقد است؛ این را هم نمی‌توانیم بگوییم؛ برای اینکه اساساً آنچه در عقد نکاح موقت و متعه به عنوان یک رکن پذیرفته شده، مهریه است، به علاوه مدت. در ذهن مجمعین این ابتدا و استدامه در ذهنشان نیست، این را ممکن است به صورت احتمال بتوانیم ذکر کنیم؛ اما واقع این است که با توجه به این جهات و مخصوصاً اینکه اجماع داریم بر بطلان در صورت نبود مهریه، باید اینجا حکم به بطلان شود؛ فیه اشکال یا مشکل به نظر ناتمام است. وجهی هم برای صحت وجود ندارد و این را عرض کردیم.

هذا تمام الکلام در مسأله ۱۸.

سؤال:

استاد: ما اصل اعتبارش را بالا جماع ثابت کردیم و دلیل دیگری نداشتیم ... به حسب قاعده مشکلی ندارد، می‌گوییم چه اشکال دارد، نکاح موقت هم مثل نکاح دائم است؛ می‌توانیم به گردن اصحاب بگذاریم که در ابتدا اگر مهریه ذکر نشود رجوع به مهر

المثل می‌کنیم؛ چرا نمی‌توانیم؟ ... بحث این است که اگر رجوع به مهر المثل آن موقع ممکن باشد، در ابتدا چرا این کار را نمی‌کنند؟ چرا آقایان در ابتدا نگفته‌اند عدم ذکر مهر موجب بطلان است؟ چه فرقی با نکاح دائم دارد؟ ... در نکاح موقت آنچه که هویت آن را تشکیل می‌دهد مدت است؛ اصلاً فارق اصلی بین نکاح دائم و غیردائم، مدت است؛ مثلاً آن دائمی و ابدی است و تا زمان حیات زوجین است، اینجا برای یک مدت خاص؛ پس این مدت حتماً باید ذکر شود و بحثی در آن نیست. اما به حسب قاعده چه مشکلی دارد که اگر در متعه مهریه ذکر نشود، رجوع به مهر المثل کند؟ ... در ابتدا چه مانعی وجود دارد که این به عنوان مهر المثل برایش یک مهریه‌ای مقرر شود؟ این چه اشکالی دارد؟ ... ما از همین اجماع می‌گوییم (نه اینکه بخواهیم به اطلاق اجماع اخذ کنیم تا اشکال شود اجماع دلیل لبی است و اطلاق در آن راه ندارد) این برای ما محرز است که مجمعی که گفته‌اند متعه بدون مهریه صحیح نیست و باطل است، اینها نظرشان به این نبوده که در ابتدا باید باشد، حالا در استدامه می‌خواهد باشد یا نباشد؛ ما اینجا دو مطلب داریم: یک مطلب این است که کسی بگوید مهریه در متعه ابتداءً لازم است و استدامتاً لازم نیست؛ دوم، ممکن است کسی بگوید مهریه در متعه چه ابتداءً و چه استدامتاً لازم است، منتهی در ابتدا مهر المسمی است و در ادامه مهر المثل است؛ بالاخره در هر دو مهریه هست. این دو با هم فرق می‌کند. حرف اول و مطلب اول باطل است و شاید اصلاً جای بررسی هم نداشته باشد؛ گرچه ممکن است کسی آن را مطرح کند. مطلب دوم هم قابل قبول نیست؛ چرا شما می‌گویید مهریه در استدامه لازم نیست؟ (اگر این را توافق کنند که یکی مهریه‌اش را ببخشد، این بحث دیگری است) اگر این رکن شد، به چه دلیل ما بگوییم در استدامه لازم نیست؟ پس مطلب اول کما تری، قاعدتاً منظور شما این مطلب دوم است؛ مطلب دوم اینکه ادعا کنیم ابتداءً و استدامتاً مهریه وجود دارد منتهی در ابتدا مهر المسمی است، همان که با هم توافق کردند، در ادامه می‌شود مهر المثل؛ شما در تمام روایاتی که برای نکاح موقت است، عبارات اصحاب، کتب اصحاب، دقت کنید یک جا سخن از مهر المثل به میان نیامده است؛ یعنی این مفروغ عنه دانسته شده که ما در عقد موقت چیزی بنام مهر المثل نداریم؛ این به نحو قطعی قابل استفاده است. اینکه ما می‌گوییم اجماع اصحاب هر دو فرض را می‌گیرد، به این دلیل است. بله، به حسب قاعده به قول شما مشکلی ندارد و اینجا هم دارد مهر المثل ... شما می‌گویید به حسب قاعده اینجا من می‌گویم اولش هم به حسب قاعده مشکلی ندارد ... این مسلم دانسته شده که بدون مهریه این عقد صحیح نیست. ... اینکه به طور کلی ما هیچ جا در کتب فقهی و روایات کسی که سخن از مهر المثل به میان آورده باشد، نداریم ... برای اینکه اصلاً مهریه را رکن دانسته‌اند ... در عقد موقت مهر المسمی رکن است ... این در ادامه بهم می‌خورد؛ حرف آقایان این است که ما شرط خیار را در مهریه نکاح دائم گفتیم چرا اشکال ندارد، چون شرط در یک چیزی است که رکن نیست، رکن سر جایش هست، حالا این مثل یک شرطی است که الان فرض بفرمایید اگر عمل نشود آن آثار خاص خودش را دارد ... الان مهر المسمی رکن عقد است، هر چیزی که به نوعی با این رکن سازگار نباشد موجب تزلزل در این رکن شود، باعث بطلان می‌شود. این خیلی مهم است؛ این رکن را متزلزل می‌کند.

«والحمد لله رب العالمین»